

تفسیر منظرین: رمزگشایی از محوطه‌های تاریخی



محمدرضا مهربانی گلزار، پژوهشگر
مکتر معماری دانشگاه پلی‌تکنیک
ناتسی، فرانسه
mehrabani777@yahoo.com

کشف ساختار فضایی و منظرین مجموعه پاسارگاد

چکیده: پاسارگاد در نگاه اول، دشتی است که چند بنای منفرد را در خود جای داده است بدون آنکه ارتباط معناداری با یکدیگر داشته باشند؛ آثار بناهایی پراکنده در دشت که به سختی می‌توان علت مکان‌یابی و احداث آنها را حدس زد. بازدیدکنندگان با دیدن وضعیت امروزی آن، هیچ تصویری از گذشته آن به دست نمی‌آورند. آیا این همه ماجراست؟ آیا در زمان هخامنشیان نیز پاسارگاد به عنوان مقر حکومتی_ آیینی کورش به همین شکل بوده است؟ این بناها چه نسبتی با یکدیگر دارند؟ از سوی دیگر، امروزه پژوهشگران پاسارگاد را به عنوان اولین باغ ایرانی و الگوی باغ‌های پسین می‌دانند اما پرسش اینجاست این باغ چگونه بوده است؟ آیا باغی هندسی و منظم بوده یا یک باغ ارگانیک و نامنظم؟

تحلیل‌های منظرین با تکیه بر اسناد تاریخی و باستان‌شناسی حاکی از آن است که کلیه بناهای دشت پاسارگاد در یک ساختار منظم فضایی احداث شده‌اند و باغی وسیع بر کلیه عناصر احاطه داشته است. «باغ شاهی» تنها بخش کوچکی از این مجموعه وسیع بوده و به بیان دیگر در پاسارگاد با یک طرح «باغ در باغ» روبه‌رو هستیم.

این نوشتار پس از تحلیل مجموعه پاسارگاد براساس اسناد تاریخی (متون تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی) از منظر سومی که «رویکرد منظر» است به بررسی این مجموعه می‌پردازد و با توجه به سبک باغسازی ایرانی، سعی در واکاوی و کشف ساختار فضایی و منظرین مجموعه باغ‌های پاسارگاد دارد.

واژگان کلیدی: باغ‌های پاسارگاد، باغ شاهی، تفسیر منظرین، ساختار فضایی، نظم هندسی.

مقدمه

صحبت از الگو (یا الگوهای) باغ ایرانی به دلیل ماهیت طبیعی باغ و عمر کوتاه عناصر آن، دشوار است. فرسایش باغ‌های قدیمی و آثار اندک کالبدی باقیمانده به گونه‌ای است که کاوش‌های باستان‌شناسی نیز به سختی اطلاعات اندکی در اختیار محققان می‌گذارد.

ماهیت اجزای تشکیل‌دهنده باغ که عمدتاً عناصر طبیعی هستند، باعث شده شناخت باغ‌های تاریخی از طریق ابزارهای باستان‌شناسی با مشکل مواجه شود. چرا که عناصر طبیعی به ویژه درختان و گیاهان باغ، در گذر زمان به سرعت جذب خاک شده و اثری از خود باقی نمی‌گذارند. فرم باغ نیز که متأثر از طرح کاشت و چیدمان گیاهان است با فرسایش گیاهان محو می‌شود.

به همین دلیل غالباً باغ‌های متعلق به ۴۰۰ الی ۵۰۰ سال گذشته (دوره ایلخانی به بعد) قابل دسترس بوده، کلیت خود را حفظ کرده‌اند و می‌توان به مطالعه آنها پرداخت. در حالی که با اسناد به مدارک تاریخی قدمت باغسازی در «فلات ایران»، به دوره ایلام و هخامنشیان بازمی‌گردد.

مشکلات فوق سبب شد محققان حوزه باغ و منظر به ناچار از «یافته‌های غیرمستقیم» همچون نقش‌برجسته‌ها،

توصیفات مورخین، نقاشی‌های کتب تاریخی و نقوش قالی برای شناخت باغ‌های تاریخی بهره گیرند. هرچند به دلیل فقر اسناد قطعی و مستقیم، این یافته‌ها در تحلیل بسیار راهگشا هستند اما صحت در «جزئیات» آنها محل تردید خواهد بود. به عنوان مثال، مورخین یونانی از نظم باغ‌های ایرانی نام می‌برند اما «چگونگی» این نظم توضیح داده نشده و در حد کلیات باقی مانده است.

با نگاهی به وضع موجود محوطه پاسارگاد دو پرسش اساسی مطرح می‌شود:

- ۱) ارتباط عناصر موجود در دشت پاسارگاد با یکدیگر چگونه بوده است؟ آیا چنین ارتباطی وجود داشته یا خیر؟
- ۲) باغ اصلی که کلیه عناصر را در برمی‌گرفته، چگونه بوده است؟ آیا از نظم خاصی پیروی می‌کرده یا خیر؟

فرضیه

نظم مورد اشاره در متون تاریخی دلالت بر کل مجموعه پاسارگاد دارد و باغی را وصف می‌کند که همه عناصر موجود را در برمی‌گرفته است. کاخ‌ها و مقابر دارای ارتباط معنادار با یکدیگر هستند و کلیت مجموعه از یک هندسه واحد پیروی می‌کند. به عبارت دیگر محوطه تاریخی پاسارگاد، دارای یک

طرح از پیش اندیشیده و شامل یک باغ وسیع و منظم بوده که کلیه عناصر در آن تابع نظم اولیه بوده‌اند.

آیا پاسارگاد یک مجموعه منسجم و الگومند بوده است؟
اکنون به لطف جوی‌های سنگی باغ‌های پاسارگاد، می‌توان تا حدودی به هندسه قدیمی‌ترین باغ ایرانی آگاهی یافت. هرچند در منابع تاریخی همچون «رساله جغرافیای استرابو» (۵۰ ق.م) به نظم باغ‌های ایرانی در دوره هخامنشی اشاره شده است اما «نحوه» این نظم روشن نیست. قدیمی‌ترین سند تصویری که نظم باغ ایرانی را به تصویر می‌کشد متعلق به دوره ساسانیان است. در نقش‌برجسته طاق بستان، صحنه شکار خسرو پرویز، طرح باغ_شکار او را در طاق بستان نشان می‌دهد. این نقش‌برجسته تا حدود زیادی هندسه باغ و عملکرد آن را هویدا می‌کند. اما در خصوص پاسارگاد که حدوداً ۱۰۰۰ سال پیش از طاق بستان احداث شده است چنین سند دقیقی وجود ندارد.

اگرچه «استرونوخ» تحقیقات مفصلی را بر روی پاسارگاد انجام داده و در نهایت یک طرح احتمالی برای محوطه جلوی کاخ اختصاصی اراپه می‌کند که منطبق با جوی‌های سنگی است، اما بخشی را که وی بازآفرینی می‌کند تنها ۵ درصد از

دارد. این جلگه در عهد باستانی پردرخت، سبز و خرم بوده و باغ‌های شاهی توسط جویبارها و آب نماهایی سنگی آبیاری می‌شد. بنابر نظر مورخینی همچون «گزنفون»^۴ و «استرابو»^۵ کاخ‌ها و آرامگاه کورش بزرگ در میان انبوه درختان این باغ بوده است. در جلوی کاخ‌ها آب‌نماهای سنگی و بسیار ظریف و زیبایی با حوضچه‌های سنگی احداث کرده بودند که تعدادی از آنها در خلال کاوش‌های باستان‌شناسی یافت شده است (تصویر ۱).

تاکنون چهار کاخ از زیر خاک بیرون آمده که یکی کاخ اختصاصی و دیگری کاخ بار و پذیرایی است. در منته‌الیه حد شمالی جلگه، حصار عظیم سنگی همانند دیوار غربی صفحه تخت جمشید دیده می‌شود که پایه‌های کاخ و تخت بزرگی را تشکیل می‌دهد. این صفحه بر تمام جلگه مسلط و چشم‌انداز وسیع و جالبی دارد (سامی، ۱۳۵۰: ۸).

یک کیلومتری شمال غربی کاخ اختصاصی کورش پشت تپه دو سنگ بزرگ تو خالی در جوار یک تپه خاکی موجود است که گمان می‌رود پرستشگاه و محل اجرای مراسم مذهبی و قربانی‌ها بوده است. در زمین‌های غربی و جنوب غربی تپه‌های کم‌سطحی مربوط به هزاره‌های پیش از میلاد موجود است که از درون آنها اشیای ما قبل تاریخ بیرون آمده است و می‌نمایند که هزاران سال پیش از آنکه پایتخت دوران هخامنشی شود، به واسطه آب فراوان و زمین‌های پرباری که داشته، مسکن طوایف، قبایل و مردمانی بوده که در آن می‌زیستند (شاپور شهبازی، ۱۳۷۹: ۱۹۰).

باغ‌های پاسارگاد از سه منظر

به منظور تحلیل و شناسایی نظم احتمالی حاکم بر مجموعه پاسارگاد، از سه زاویه مختلف به موضوع پرداخته می‌شود. در ابتدا، از خلال آنچه که در طی کاوش‌های باستان‌شناسی بدست آمده، وجود نظم مابین آثار اثبات شده و سپس در متون تاریخی و توصیفات که از این مجموعه وجود دارد به استخراج گزاره‌هایی در اثبات باغ و وجود هندسه منظم آن اقدام شده و در گام سوم با رویکرد منظرین به تفسیر و تحلیل عناصر موجود و رابطه آنها با یکدیگر پرداخته شده است. ماحصل این سه مرحله، ساختار فضایی باغ‌های پاسارگاد را روشن می‌سازد.

• اسناد باستان‌شناسی

یافته‌های باستان‌شناسی در محوطه پاسارگاد، شامل بناهای متنوعی است که در دشت پراکنده شده‌اند. عناصر شاخص مربوط به دوره هخامنشی^۶ شامل چند کاخ (یا پاپیون)، یک دروازه، دو مقبره، آثار یک معبد یا قربانگاه و جوی‌های آب و یک پل است. این آثار در خلال کاوش‌هایی که طی چند مرحله و حدود ۵۰ سال به طول انجامید بدست آمده است.

آخرین گزارش مفصلی که سایر تحقیقات و کاوش‌های پیش از خود را نیز گردآوری کرده است مربوط به دیوید استروناخ است که تحقیقات جامعی را بر روی محوطه پاسارگاد انجام داده است.

در ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ میلادی رمی بوشارلا در قالب یک گروه تحقیقاتی فرانسوی اقدام به عکس‌برداری ژئومغناطیس از بخش‌های میانی محوطه پاسارگاد کرد. تحقیقات او نکات تازه‌ای را در خصوص بناها، جوی‌های آب و یک سد احتمالی در تنگ بولاغی آشکار ساخت. البته عکس‌برداری او ناتمام باقی ماند و به نظر می‌رسد چنانچه جمع‌آوری اطلاعات و عکس‌های ژئومغناطیس در این تحقیقات کامل می‌شد می‌توانست لایه جدیدی از ساختار فضایی محوطه پاسارگاد را نمایان سازد (تصاویر ۲ و ۳).

در تصویر ۲ موقعیت یافته‌های کاوش‌های باستان‌شناسی

تصویر ۲: عکس هوایی از بخشی موسوم به باغ شاهی در محوطه پاسارگاد. جوی‌های سنگی که تا به امروز باقی مانده است هندسه و نظم حاکم بر باغ شاهی را نمایان می‌کند. مأخذ: بنیاد پارسه پاسارگاد.

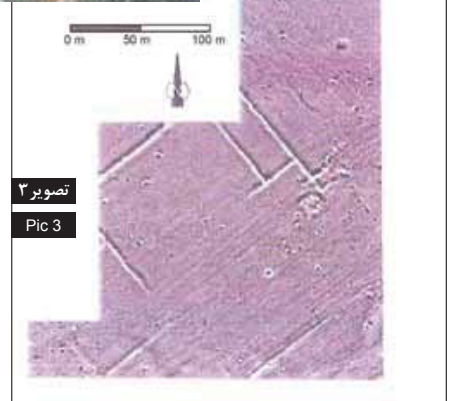
Pic2: An aerial photo of Royal Garden. Stone water channels that still remain depict a geometrical pattern dominant in the Garden. Source: Parse-Pasargadae Foundation.



تصویر ۲
Pic 2

تصویر ۳: عکس‌های ژئومغناطیس که توسط هیئت فرانسوی از بخش‌هایی از پاسارگاد تهیه شده است. این تصاویر لایه‌ای از آثار دوره هخامنشی که با روش‌های سنتی باستان‌شناسی قابل شناسایی نبود را هویدا کرد. مأخذ: بوشارلا، ۱۳۸۲.

Pic3: Geo-magnetic images that were taken by a French delegation from parts of Pasargad complex. These images reveal a layer of the Achaemenid period which was not detected by traditional archeology methods. Source: Bouchariat, 2003.



تصویر ۳
Pic 3

تفسیر منظرین^۲

در این پژوهش «تفسیر منظرین» به عنوان روشی برای کشف روابط بین عناصر باقی‌مانده و بستر سایت تاریخی به کار رفته است. مراد از تفسیر منظرین، استنباط و کشف روابط بصری عناصر موجود و ارتباط آن با روابط عملکردی به منظور کشف وضع اصیل و اولیه یک محوطه تاریخی است که اکنون آثار اندکی از آن باقی مانده است.

آنچه در این روش مینا قرار گرفته است در فلسفه به برهان «آتی» معروف است و در مقابل قضایای «آمی» قرار دارد.^۷ به عنوان مثال در تفسیر منظرین، وجود یک ایوان، دلالت بر منظره‌ای است که این ایوان رو به آن نظر داشته، هرچند ممکن است منظره فوق اکنون موجود نباشد اما می‌توان استنباط کرد این ایوان به قصد نظر کردن به یک منظره دلپذیر ساخته شده است. اسامی مکان‌ها نیز در این تفسیر راهگشا خواهد بود. به عنوان نمونه، کاخ سروسستان اکنون در منطقه‌ای خشک و بیابانی قرار گرفته است اما بدیهی است که نام سروسستان دلالت بر وضعیت آن منطقه در روزگار ساسانیان دارد و نشان‌دهنده آبادانی و سرسبزی محوطه پیرامونی کاخ بوده است. استمرار فرهنگ و آداب و رسوم تا به امروز نیز بخشی از تفسیر منظرین است. ایرانیان هنوز با قالی، درون خانه را تبدیل به باغ می‌کنند؛ باغی منظم درون خانه. بی‌شک این عادت، دلالت بر اندیشه‌ای کهن دارد که در ذهن ایرانیان نقش بسته است.

پیش از این، باستان‌شناسان و محققان حوزه آثار تاریخی کمابیش با چنین دیدگاهی به تفسیر آثار تاریخی پرداخته‌اند اما این نوشته بر آن است که این نوع تفسیر می‌تواند «هم وزن» کاوش‌های باستان‌شناسی و اسناد تاریخی در شناخت یک مجموعه تاریخی تأثیرگذار باشد. زیرا رشته «منظر» با نگاهی کل‌نگر و تحت سیستم واحد فرهنگی به تحلیل می‌پردازد.

محوطه میراث جهانی پاسارگاد

جلگه پاسارگاد حدود ۲۰ کیلومتر درازا و ۱۵ کیلومتر پهنا

محوطه‌ای است که ما امروزه به عنوان حریم مجموعه پاسارگاد می‌شناسیم. در طرح او رابطه بین مقبره کورش با سایر بناها از جمله بنای موسوم به «مقبره کمبوجیه» یا «بنای تل تخت» با یکدیگر نامشخص باقی می‌ماند.

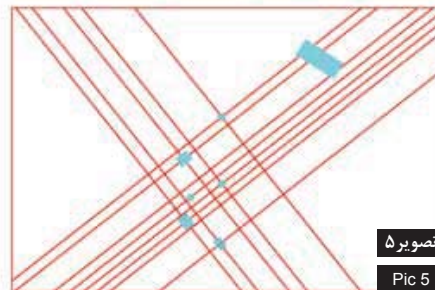
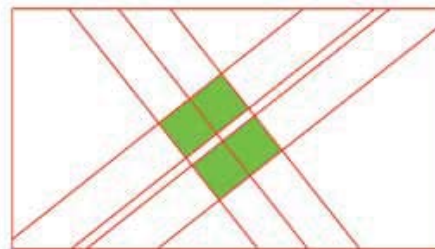
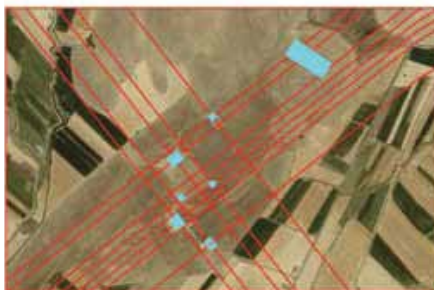
برای کشف هندسه باغ‌های پاسارگاد تا پیش از این دو سند در اختیار محققان بود؛ یکی متون تاریخی که در آنها وصف این باغ آمده و دیگری، یافته‌های باستان‌شناسی که شامل باقیمانده کاخ‌ها، مقابر، جوی‌های آب و چند بنای دیگر است که کاربری آنها با قطعیت مشخص نشده است.

یک برداشت از اسناد تاریخی، استقرار عناصر فوق‌الذکر بدون نظم مشخص در یک باغ بسیار وسیع است. در حقیقت مقیاس وسیع محوطه پاسارگاد و تقدم و تأخر احداث بناها در آن می‌تواند این نظریه را تقویت کند که اجزا به تنهایی دارای نظم بوده اما کلیت باغ و چیدمان این عناصر تابع نظم مشخصی نبوده است. در این حالت توصیفات تاریخی که از باغ شده است دلالت بر بخش کوچکی از آن (مثلاً محوطه جلوی کاخ اختصاصی کورش) دارد و عناصر موجود در دشت پاسارگاد ارتباط معناداری با یکدیگر نداشته‌اند. از این رو آنچه را که استروناخ به عنوان باغ شاهی ترسیم کرده است در حقیقت بخش کوچکی از باغ‌های اولیه پاسارگاد است که شاید بتوان عنوان «باغ اختصاصی» را بر آن نهاد. در هر حال استروناخ به استناد این دو منبع، طرح خود را ارائه کرد و پس از او نیز، سایر محققین به طرح‌های او مراجعه کرده و آنها را مبنای تحقیقات خود در خصوص باغ ایرانی قرار داده‌اند. این در حالی است که توصیفات آریستوبولس (مورخ همراه اسکندر) از پاسارگاد نشان‌دهنده باغی وسیع است که مقبره کورش را نیز در برداشت.

آخرین تحقیقات باستان‌شناسی که توسط هیئت فرانسوی به سرپرستی پروفیسور رمی بوشارلا (Remy Bouchariat) در سال ۲۰۰۵ انجام گرفت، با استفاده از تکنولوژی‌های جدید به کلیت محوطه پاسارگاد پرداخت و نکات ارزشمندی را مکشوف ساخت اما این پروژه نیمه‌تمام باقی ماند.

تصویر ۵: از امتداد محور اصلی باغ شاهی به طرفین، ارتباط بسیار دقیق مقبره کوروش در جنوب غربی سایت و ورودی تل تخت در شمال شرقی سایت آشکار می شود. این سه عنصر در یک محور قرار گرفته اند که امری اتفاقی نیست و به نظر می رسد محور اصلی باغ پاسارگاد را شکل می داده است. از امتداد محورهای بناهای موجود به تناسبات دقیقی در جاییگیری بناها پی می بریم که اتفاقی بودن آن غیر ممکن و گویای یک طرح از پیش اندیشیده شده است که بر کل مجموعه پاسارگاد، مأخذ: آرشینو نگارنده.

Pic5: A look at the extensions of the main axis of the Royal Garden toward both sides reveals a very exact relation between the tomb of Cyrus in southwest and Tal-e-Takht in the northeast. This phenomenon is not accidental and it seems that it has been formed the main axis of the Pasargadae garden. Also, a look at the extensions of the pathways leading to the existing structures reveals exact relations in locations of structures. In other words, there is a carefully designed plan in everywhere of Pasargadae no single part of which is accidental. Source: Author Archive.



تصویر ۵
Pic 5

پرسایه و عمیق خود در نگاه نخست در میان انبوه درختان، باغچه‌ها و چمنزارها دیده می شده است (استروناخ، ۱۳۷۹: ۱۵۶).

• اسناد تاریخی

مهم ترین منابع تاریخی که به دوره هخامنشیان و زمان احداث پاسارگاد نزدیک بوده است، متونی است که توسط گزنفون و استرابو نگاشته شده و می تواند مبنای اطلاعات ما از آن دوران باشد. استرابو برخی مطالب خود را از آریستوبولس (مورخ همراه اسکندر مقدونی) نقل می کند و گزنفون نیز که در دربار هخامنشی صاحب منصب بوده و از نزدیک وقایع را روایت کرده است.

لازم به ذکر است که به همه روایت هایی که این دو نقل می کنند نمی توان به دیده قطعی نگریم چرا که گاه با افسانه ها درآمیخته و گاه نیز دارای اغراق است. اما وجود برخی گزاره ها در گزارش هایی که از آن دوران به دست ما رسیده می تواند راهگشا باشد. به عنوان نمونه وجود باغ در پاسارگاد که هر دو روایت کرده اند قطعی است اما اینکه این باغ چه اندازه باشکوه و شگفت انگیز بوده محل تأمل است. بنابراین «وجود باغ» را می توان قطعی پنداشت اما ویژگی های آن را باید با دیده تردید نگریم.

بخشی از توصیفات که در کتب تاریخی از پاسارگاد وجود دارد چنین است:

• «سامی» در کتاب خود داستانی از «لیناندر» سردار اسپارتی و کورش صغیر برادر اردشیر دوم فرمانفرمای آسیای صغیر نقل می کند سردار نامبرده کوروش صغیر را در یک باغ بزرگ زیبایی که درختان آن منظم و یک اندازه بوده ملاقات کرد و به وی گفت

را مشروب می کرد. تردیدی نیست طرح های اولیه این باغ ها حتی اگر در زمان داریوش تکمیل و در طی دوره هخامنشی به دقت اجرا شده باشند در دوران کوروش تهیه شده است.

• «سامی» که خود تحقیقات پنج ساله ای را در محوطه پاسارگاد انجام داده است اعتقاد دارد: «کاخ های شاهی پاسارگاد در میان باغ و انبوه درختان قرار داشته است. وجود آب فراوان و چشمه سارها در این جلگه ها این نظریه را تأیید می نماید در خلال کاوش ها، چند رشته جدول سنگی به طرز جالب و منظمی از سنگ سفید بین دو کاخ کشیده شده و در زیر زمین های زراعتی پنهان مانده بود که نمودار ظرافت و سلیقه عالی سازندگان آن بود. این آب نماها به طوری که از نتیجه کاوش ها استنباط شد بیش از اینها بوده و در تمام صفحات جلگه و اطراف کاخ ها امتداد داشته است» (۱۳۵۰: ۱۴۶). متأسفانه سامی این فرصت را پیدا نکرد که به کاوش های خود ادامه دهد و تنها بخشی از آنماهای سنگی را از خاک بیرون آورد.

• استروناخ درباره انگیزه شکل گیری باغ های پاسارگاد می گوید: «به زبان دیگر کوروش نمی خواست یک بخش تکمیلی را به کاخ بار عام خود الحاق کند، بلکه ساختار چشمگیرتری را در نظر داشت؛ یک کوشک بزرگ در رابطه ای تنگاتنگ با باغ سلطنتی همجوار آن» (۱۳۷۹: ۱۴۳).

• کاخ های کوروش با ویژگی جدید در معماری چهارنمایی خود، به عنوان ساختارهایی با چشم انداز باز و گشوده طراحی شده بودند. این بناها دیدگاهی گسترده از تمامی جهات داشته و باغ های بزرگی اطراف آنها را احاطه کرده بود. شواهد موجود نشان می دهد که در حقیقت هر کاخ در شکوه ایوان های ستون دار

مشخص شده است. یک مسیر برای بازدیدکنندگان در دوره پهلوی دوم احداث شده است که به دلیل عدم تطابق با واقعیت اصلی سایت و ناخوانا کردن روابط بناها با یکدیگر، بر ابهام بازدیدکنندگان می افزاید.

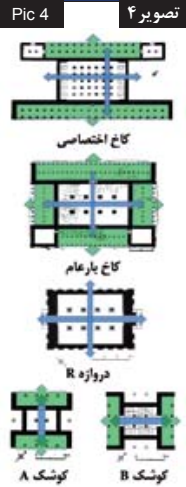
برخی از مهم ترین گزاره هایی که در یافته های باستان شناسی در خصوص «باغ شاهی» یا «مجموعه باغ های پاسارگاد» اشاره شده، چنین است:

• هر تسفلد معتقد است: امتداد مشترک بعضی خطوط مبنی بر وجود دیواره و جاده، و همچنین آثار موجود مجاری آب می رساند که این محل وسیع را باغ مشجری شبیه باغ هایی که سارگن آشوری شرح داده یا شبیه حدائق معلقه که بخت النصر در بابل به شیوه مادی ها احداث کرده بود احاطه می کرده است (سامی، ۱۳۵۰: ۱۹۹).

• در جایی دیگر هر تسفلد خاطر نشان می کند: «چنین مکانی را نمی توان شهر نام گذارد، زیرا بیشتر به مقر و منزلگاه چادر نشینان شباهت دارد و گویا همینطور هم بوده است. محل دیگری شبیه به بازارگاد و لیکن جدیدتر در بین النهرین بود که به زبان عربی حضرا خوانده شده و متعلق به قرن اول پیش از میلاد می باشد» (همان، ۲۰۰).

• بریان (۱۳۸۱: ۱۳۳) درباره وجود یک باغ گسترده که محیط بر بناها بوده معتقد است کاوش های انجام شده در این مکان نشان داده اند که باغ، پیرامون همه بناهای پاسارگاد احداث شده بود و همه بناها به باغ مشرف بوده اند. در پاسارگاد «باغی سلطنتی» کشف شده است که با نهرهایی با بستر سنگی آبیاری می شد و آبگیرهایی که رود پلوار به آنها می ریخت، در گله به گله آن می درخشید. این رود دشت

در مجموعه پاسارگاد آکس باغ شاهی، محور ترسیمی ورودی تل تخت تا مقبره کوروش و بازشوها، تناسبانی با هم دارند که با ترسیم محورهای آنها دقیقاً بر یک شبکه منظم منطبق می‌شوند. این انطباق تأکید می‌کند عناصر این مجموعه پراکنده و بی‌نظم نیست بلکه با نظم هندسی مشخصی در مقیاس کلان مجموعه کنار هم قرار گرفته‌اند.



تصویر ۴: تحلیل آثار بناهای به جامانده در محوطه پاسارگاد بر اساس اندیشه‌های باغ ایرانی. در این تصاویر، امتداد محورهای اصلی بنا، آکس ایوان‌ها و بازشوها که در باغ‌های ایرانی معمولاً در یک سازمان منظم فضایی با یکدیگر مرتبط هستند مبنای تحلیل قرار گرفت. مأخذ: آرشو نوگارنده.

Pic4: An analysis of the remaining buildings in Pasargadae based on the idea of the Persian Garden. In this illustration, the major axis of the buildings and the openings are used as the basis of the analysis. In fact, this idea is the general rule of the spatial structure in Persian gardens. Source: Author Archive.

بناهای موجود تطابق دقیقی دارند. دروازه R و پلی که اکنون بخشی از آن باقی مانده کاملاً در این هندسه جای گرفته‌اند و خوانایی مجموعه به طرز فوق‌العاده‌ای افزایش یافته است.

از نظر «استقرار در هندسه ارایه شده» همه بناها (به جز آثار دوره اسلامی) در تطابق کامل با نظم ارایه شده هستند. همچنین به لحاظ «جهت‌گیری»، دو بنا با سایر عناصر متفاوت هستند؛ یکی عمارت تل تخت که استقرار آن بر تپه می‌تواند توجیه چرخش آن نسبت به هندسه اولیه باشد و دیگری بنای کوروش که از نظر جهت‌گیری با سایر بناها منطبق نیست، جز این دو مورد، باقی بناها در جهت‌گیری با یکدیگر سازگاری دارند.

از کنار هم قرار دادن موارد برداشت شده با این تفسیر می‌توان به موارد زیر دست یافت:

• ارتباط مقبره کوروش با باغ شاهی و ورودی تل تخت که محور اصلی باغ را تعریف می‌کند و هم راستا بودن این عناصر اتفاقی نیست.

• محورهایی که از دروازه R، مقبره کمبوجیه و کوشک A، عمود بر محور اصلی ترسیم می‌شود دارای نسبت‌های یکسان است که تکرار این تناسب با مقبره کوروش منتهی می‌شود.

• فاصله بنای منتسب به مقبره کمبوجیه تا محور اصلی دقیقاً مساوی فاصله دروازه R از همین محور است یعنی دو محور فرعی از یک تقارن نسبت به محور اصلی سایت برخوردارند.

• ساختار فضایی مجموعه پاسارگاد را ادغام محورهای بدست آمده و نسبت‌های آن روشن می‌سازد. مجموع موارد فوق نمی‌تواند اتفاقی و بر حسب تصادف باشد. در کنار این موارد قطعی، در خصوص سایر کربندی‌ها با اسناد موجود نمی‌توان با قطعیت اظهار نظر کرد و همچنان به صورت گمان و طرح احتمالی مطرح خواهند بود (تصاویر ۷ تا ۱۰).

باغی بوده یا بناهای مهم در راستای محور اصلی باغ استقرار داشته باشند. همچنین وجود یک هندسه شطرنجی (یا محورهایی عمود بر هم) در کل مجموعه دور از انتظار نیست. با این پیش فرض اکنون می‌توان به تحلیل دوباره کاخ‌ها، مقابر، جوی‌های آب و سایر بناها پرداخت (تصویر ۴).

محور(یا محورهای) اصلی

اگر بپذیریم که محور یا آکس در باغ ایرانی نقشی کلیدی دارد و در نمونه‌های تاریخی این ویژگی کمابیش وجود داشته است آنگاه در مجموعه پاسارگاد نیز باید به دنبال محور یا محورهایی بود که نقش استخوان‌بندی مجموعه را به عهده دارند.

در صورتی که چنین محورهایی وجود داشته باشد باید رابطه‌های هماهنگ با درهای کاخ اختصاصی و بارعام، پاپویون‌ها، دروازه R، مقبره کوروش، تل تخت و باغ شاهی داشته باشد. چنانچه راستای هریک از این عناصر را ترسیم کنیم، چند نکته آشکار می‌شود:

• به رابطه معناداری بین ورودی تل تخت با باغ شاهی و مقبره کوروش بی‌می‌بریم که حاکی از قرارگیری دقیق آکس باغ شاهی در راستای محور ترسیمی ورودی تل تخت تا مقبره کوروش است.

• اکنون اگر با این دیدگاه که بناها در یک نظم کلی احداث شده‌اند و در راستای یکدیگر هستند، محورهای سایر بناهای موجود را ترسیم کنیم تناسبانی را مشاهده می‌کنیم که در هماهنگی با سایر بناهای سایت قرار دارند (تصویر ۵).

تقارن و تکرار

اگر ایده تقارن و تکرار را در خصوص این تناسبات صادق بدانیم و نسبت‌های بدست آمده، به صورت قرینه تکرار شود آنگاه محوطه پاسارگاد شامل یک شبکه شطرنجی است که محورهای این شبکه منطبق با بازشوهای کاخ‌ها، راستای معابر و آکس اصلی باغ شاهی است. بنابراین در مقیاس کلان شاهد چنین نظمی هستیم (تصویر ۶).

این نظم هندسی تا حدود زیادی گره از حل معماری رابطه بناها با یکدیگر در درون محوطه پاسارگاد می‌گشاید. در چنین حالتی می‌توان برای پاسارگاد یک طرح کلی ارایه کرد که همه بناها در باغی وسیع استقرار داشته‌اند.

الگوی احتمالی مجموعه باغ‌های پاسارگاد

استروناخ به درستی دریافت کرده بود که نظمی منطقی بر مجموعه حاکم است اما او نتوانست رابطه‌های بین بناهای پراکنده در دشت پیدا کند. او تنها به ترسیم باغی کوچک در جلوی کاخ اختصاصی کوروش بسنده کرد، وی در گزارش خود می‌نویسد: "ترتیب و جهت قرار گرفتن این سه بنای کلیدی همه چیز می‌تواند باشد، مگر تصادفی و اتفاقی، و از ارتباط نزدیکی که میان باغ‌ها، کوشک‌ها و کاخ‌ها، حداقل در یک منطقه وجود دارد، شاید بتوان به امکان وجود یک نقشه اصلی استاندارد و به دقت درک شده، فکر کرد" (استروناخ، ۱۳۷۹: ۶۹). شاید اگر استروناخ با دیدگاهی کل‌نگر به مجموعه نگرسته بود می‌توانست پاسخ سؤال خود را بیابد.

به لطف آبنماهای سنگی که تاکنون باقی مانده، می‌توان به قطعیت در خصوص وجود باغ در پاسارگاد صحبت کرد. از سوی دیگر به لطف آثار هرچند اندک باقی مانده تحلیلی منظرین ارایه کرد و به طریحی دست یافت که احتمالاً با واقعیت پاسارگاد در عهد هخامنشیان سازگار است.

در طرح ارایه شده در این پژوهش، مقبره کوروش در یک سر باغ و عمارت تل تخت در سوی دیگر آن واقع شده است. باغ اختصاصی و کوشک‌ها در میانه باغ قرار گرفته‌اند و محورها با

"من در حیرتم از زیبایی باغ، ولی بیشتر از کسی که طراحی این باغ را نموده و این درخت‌ها را موزون کاشته، کوروش گفت تمام این کارها را خودم کردم" (۱۳۴۱: ۱۹۲).

• آریستوبول، یکی از همراهان و نزدیکان اسکندر، درباره شرح آرامگاه کوروش چنین می‌نویسد: آرامگاه مؤسس سلسله شاهان پارس در وسط یکی از باغ‌های شاهی واقع است که در آن آب جاری است. درختان زیاد، سبزه و چمن آن را احاطه کرده است، این مقبره به شکل برج مربع کم‌ارتفاعی است که درختان کهن بر آن سایه انداخته‌اند (سرافراز، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

• نویسندگان کلاسیک بر وفور درختان غرس شده در داخل فضای مقبره تأکید ورزیده‌اند. آریستوبول، که آریانوس از او نقل قول کرده است (بریان، ۱۳۸۱) تصریح کرده است مقبره "در پردیس سلطنتی" قرار داشت و "بیشه‌زار مقدسی که تمامی آن آبیاری می‌شد و شامل انواع درختان و چمن‌زاری پرپرشت بود آن را احاطه کرده بود".

• استرابو نیز در بخش اول روایت خود از آریستوبولوس پیروی کرده است: "و در آنجا او (اسکندر) آرامگاه کوروش را در یک پردیس (باغ سلطنتی) دید، برجی نه چندان بزرگ، پنهان در انبوه درختان، بخش‌های پایینی آن برجسته و بخش بالایی آن زیارتگاهی مسقف با ورودی بسیار باریک است" (استروناخ، ۱۳۷۹: ۴۵).

تفسیر منظرین

برخی از سنت‌هایی که امروزه نیز در باغسازی ایران دیده می‌شود ریشه در باغ‌های تاریخی و به عبارت بهتر ریشه در الگوهای اولیه دارد. از این سنت‌ها می‌توان به چشم‌انداز بی‌کران، حضور آب، تنوع فضایی، هندسه مستطیلی، ایوان گسترده که رو به منظره‌ای دلپذیر دارد، یک محور اصلی در باغ، تقسیمات شطرنجی، استقرار کوشک (یا کوشک‌ها) در راستای محورهای باغ و تأکید بر آن اشاره کرد (منصوری، ۱۳۸۴: ۶۲).

باغ نزد هخامنشیان جایگاهی خاص داشته و شاید بتوان جنبه‌های آیینی و مقدس برای آن قایل شد اما نباید فراموش کرد که تمایل انسان در همه اعصار تاریخی به حضور در فضایی فرح‌انگیز و برطرآت دلیل مناسبی برای ایجاد باغ است. پس الزاماً نباید به دنبال دلایل پیچیده و اثبات‌ناپذیر رفته و بدون دلیل متقن سعی شود انگیزه باغسازی را چیزی فراطبیعی جلوه دهیم. هرچند نمی‌توان منکر نقش "اعتقاد" در تمامی شئون زندگی انسان دوران باستان شد.

در مجموعه پاسارگاد با یک پازل روبه‌رو هستیم؛ همه عناصری که از کاوش‌ها بدست آمده قطعات یک پازل بزرگ هستند. بخش‌های زیادی از این پازل اکنون وجود ندارد بنابراین باید با همین آثار باقی‌مانده سعی در حل معماری ساختار فضایی پاسارگاد کرد و به سراغ سنت‌های باغسازی ایرانی رفت. برخی از سنت‌هایی که امروزه نیز در باغسازی ایران دیده می‌شود ریشه در باغ‌های تاریخی و به عبارت بهتر ریشه در الگوهای اولیه دارد. از این سنت‌ها می‌توان به ایوان گسترده که رو به منظره‌ای دلپذیر دارد، یک محور اصلی در باغ، تقسیمات شطرنجی، استقرار کوشک (یا کوشک‌ها) در راستای محورهای باغ و تأکید بر آن اشاره کرد. اگر این سنت‌ها در باغ‌های تاریخی به طور متناوب تکرار شده است می‌توان چنین استنباط کرد که باید در مجموعه باغ‌های پاسارگاد نیز شاهد رعایت این سنت‌ها باشیم.

همانگونه که در تعریف تفسیر منظرین گفته شد، در این تحقیق، در مواجهه با آثار باقی‌مانده در پاسارگاد باید به دنبال علل استقرار، جهت‌گیری و تحلیل دید و منظر بناهای به جامانده بود. بنابراین باید ایوان‌های کاخ‌های پاسارگاد رو به

تصویر ۶: از تکرار و تقارن تناسبات و محورهای بدست آمده، یک الگوی شطرنجی بدست می آید که جانمایی کلیه عناصر موجود (به جز بناهای دوره اسلامی) را توجیه می کند. یک سر این الگو، مقبره کوروش است و سوی دیگر آن بنای تل تخت. مأخذ: آرشیونگارنده.

Pic6: Repetition and symmetry around the main axes will create a checkered pattern that will justify the locations of all structures (except buildings of the Islamic period). This pattern is limited by the tomb of Cyrus and Tal-e-Takht. Source: Author Archive.

تصویر ۷: باز آفرینی ساختار فضایی و منظرین باغهای پاسارگاد منطبق با هندسه کشف شده. مقبره کوروش در یک سوی باغ و تل تخت در انتهای آن دیده می شود. باغ شاهي نیز در میانه این مجموعه است. در این باز آفرینی عناصر موجود همچون روستای مجاور و بناهای دوره اسلامی نیز حضور دارند. مأخذ: مهربانی گلزار، ۱۳۸۶: ۱۳۸۶.

تصویر ۷: جلال محمدي، ۱۳۸۶. Pic7: Recreating the spatial structure of landscape in Pasargadae gardens consistent with the discovered geometry. Cyrus's tomb is in this side of garden and Tal-e-takht is located in other side. Royal Garden is also in the middle of this illustration. In this illustration, there are the elements of Islamic period and nearby village. Source: Mohammad Reza Mehrabani Golzar, 2007; Illustrator: Jalal Mohadesi.

تصویر ۹: پلان ساختار فضایی پاسارگاد. در این طرح احتمالی، کلیه عناصر پراکنده در دشت دارای ارتباط معنادار یا یکدیگر هستند و در یک هندسه منظم و خوانا قرار دارند. کرت هایی که از نظر نگارنده وجودشان قطعی است هاشور خورده اند. مأخذ: آرشیونگارنده.

Pic9: Spatial structure plan of Pasargadae. In this proposed structure, all elements have a meaningful position and reasonable relationship in the plains and with each other in a regular legible geometry. Source: Author Archive.

نتیجه گیری

با آنکه همچنان نمی توان راجع به کرت بندی باغ های پاسارگاد با قطعیت اظهار نظر کرد اما مشخص شد که ساختار فضایی مجموعه از نسبت و هندسه منظمی پیروی می کند. وجود هندسه منظم در باغ شاهي (اختصاصی) و در مقیاس کلان در باغ های پیرامون کاخ ها، تبدیل به الگویی شده است که بعدها در دوره ساسانی و پس از اسلام شاهد تکامل آن هستیم. محوطه میراث جهانی پاسارگاد همچنان نیازمند کاوش ها و پژوهش های باستان شناسی است و نیازمند تحقیقات مشابه آنچه که گروه فرانسوی به سرپرستی «رمی بوشارلا» اخیراً در محوطه پاسارگاد انجام داده است تا زوایای پنهان این سایت تاریخی آشکار شود. بی شک این تحقیقات می تواند هرگونه حدس و گمان را برطرف و طرح های احتمالی را اثبات یا رد کند.

در خاتمه باید یادآور شد تصاویر ژئومغناطیس که توسط هیئت فرانسوی تهیه شده است اگر چه تنها بخش هایی از سایت را شامل می شود اما در همین حد نیز حاوی نکاتی است که طرح ارائه شده در این پژوهش را تأیید می کند ■

پی نوشت

۱. این مقاله برگرفته از رساله کارشناسی ارشد معماری منظر نگارنده است که به راهنمایی دکتر سید امیر منصوری و مشاوره سرکار خانم دکتر شهره جوادی در سال ۱۳۸۶ در دانشگاه تهران ارائه شد.
۲. ایده تفسیر منظرین در رمزگشایی محوطه های تاریخی، به همسفری دکتر «سید امیر منصوری» با دکتر «علی اکبر سرافراز» باز می گردد. زمانی که این دو، سفری را در آثار تاریخی ایران آغاز می کنند و دکتر منصوری با نگاه یک معمار منظر در کنار دکتر سرافراز به عنوان یک باستان شناس به تفسیر و خوانش محوطه های تاریخی می پردازد.
۳. در زمان لاتین این دو قضیه را به A priori and a posteriori می شناسند. آتی و لیتی در حکمت و فلسفه برای متمایز ساختن دو نوع دانش یا برهان به کار می روند. قضایای آتی از معلول به علت می رسند و قضایای لیتی از علت به معلول. مثلاً رؤیت «دود در آسمان» می تواند دلالت بر وجود «آتش» باشد.
- هر چند فلاسفه در باب این دو قضیه دارای اختلاف نظر هستند و فیلسوفان مدرن، حواشی بسیاری بر آن نوشته اند اما همچنان در شناخت شناسی (epistemology) معتبر هستند.
۴. Xenophon مورخ دربار هخامنشی
۵. Strabo مورخ و جغرافی دان ۵۰ ق.م.
۶. در پاسارگاد آثاری مربوط به دوره های پیش از هخامنشیان نیز موجود است که عمدتاً تپه های سکونتگاهی هستند.

فهرست منابع

- استروناخ، دیوید. (۱۳۷۹). پاسارگاد، ترجمه: حمید خطیب شهیدی، چاپ اول. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- بریان، پیر. (۱۳۸۱). امپراتوری هخامنشی، ترجمه: ناهید فروغان. تهران: نشر قطره.
- بوشارلا، رمی. (۱۳۸۲). گزارش مقدماتی هیأت مشترک فرانسه - ایران. شیراز: میراث فرهنگی و گردشگری فارس.
- سامی، علی. (۱۳۴۱). تمدن هخامنشی. شیراز: انتشارات دانشگاه پهلوی.
- سامی، علی. (۱۳۵۰). پارس کده. شیراز: انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس مجاب.
- سرافراز، علی اکبر. (۱۳۸۱). باستان شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی. تهران: عفاف.
- شاپور شهسبازی، علیرضا. (۱۳۷۹). راهنمای جامع پاسارگاد. شیراز: بنیاد فارس شناسی.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۴). درآمدی بر زیبایی شناسی باغ ایرانی. مجله باغ نظر. (۳): ۵۹-۶۴.
- مهربانی گلزار، محمدرضا. (۱۳۸۶). ساماندهی و احیای مجموعه باغ های پاسارگاد، پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران.

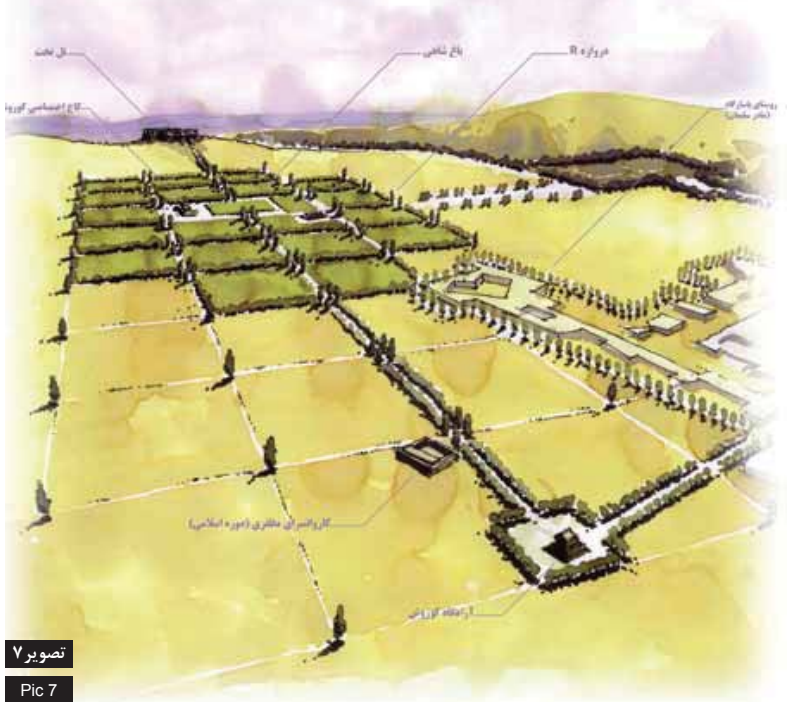
تصویر ۶

Pic 6



تصویر ۷

Pic 7



landscape Interpretation, an Approach to Decypher Secrets of Ancient Structures

Mohammad Reza Mehrabani Golzar, Ph.D. candidate in Architecture, National Polytechnic Institute of Lorraine, France. mehrabani777@yahoo.com

Discovering spatial structure and landscape features of Pasargad Complex*

Abstract :Iran's ancient Pasargad site may appear in first look as a chain of individual structures that are overlooking a plain with no tangible relation between those structures. It may be to the same effect difficult to realize why Pasargad was ever built in its current location. Those who visit this site today may not be able to obtain an understanding about what the architects of Pasargad were thinking about when they decided to build it. But is this the whole story? Was Pasargad like its current shape during the era of the Achamenids who had picked it as their throne and the religious center of their empire? What is the relation between the structures of this site that had found a special position during the reign of Cyrus the Great?

On the other hand, many consider Pasargad as the first example of a Persian garden. It is generally believed that Pasargad later inspired the construction of Persian gardens. But how was the Pasargad garden? Was it based on geometric designs or was it an organic garden in which no particular pattern could be found?

The present research is based on the assumption that Pasargad was based on a perfectly measured blueprint as indicated in historical documents. Another aspect of the assumption is that Pasargad comprised a garden in which all elements of Persian garden existed. The present research further assumes that there is a tangible relation between different structures of Pasargad and the whole site is based on a unified geometric design.

In order to better identify the potential pattern dominating the construction of Pasargad site, the present research looks at the details of Pasargad architectural layout from three different perspectives. First, the research will try to prove the existence of an order between the structural elements of Pasargad through archeological findings. Next, the existence of a garden and geometrical designs is proved by drawing references to historical texts about Pasargad. And finally, there will be an analysis of the structural elements and their relation to each other from the viewpoint of landscape. It is expected that the results of these three stages would provide a clear understanding of Pasargad spatial structures.

The purpose of analyzing the landscape features of a historical site is to identify the links between the visual elements and their functions in a way that the original format and shape of the site becomes clear particularly those which have to

a large degree withered over time. This analysis can be as useful as the archeological excavations and historical texts in understanding the details of an ancient structure. Besides, the dominant viewpoint in the discipline of archeology is detailed and very conservative whereas the discipline of landscape analyzes the facts through a holistic and aggressive approach. Therefore, once these two are put together, there will be a more precise analysis of historical sites. With regards to the analysis of Pasargad site from the viewpoint of landscape, one must look for the reasons for the positioning of different structures and the relevance of their landscapes to the structures. It is common knowledge that axis has a key role in Persian gardens as has already been seen in many historical sites. Also, the structures in historical sites in Iran are based on symmetrical patterns. Therefore, the following points can be concluded with regards to Pasargad site:

- The connection between the tomb of Cyrus the Great with the Royal Garden and the entrance that overlooks the main avenue in the Garden was carefully designed and the arrangement of this connection is not accidental.

- The pathways that originate from Gate R, the tomb of Cambyses and Palace A and fall on the main avenue have similar features in terms of construction technicalities. The recurrence of those similarities leads to the tomb of Cyrus.

- The distance between the tomb which is believed to host Cambyses to the main avenue is exactly the same as the distance between Gate R and the avenue. This means that there are two synchronical pathways to the avenue in the Royal Garden.

- A look at the patterns of the pathways and their relations to each other helps clarify the spatial structure of Pasargad complex. The arrangements of none of the above cases can be considered as accidental.

Therefore, an analysis of the historical documents and archeological findings from the viewpoint of landscape shows that all the structures in Pasargad complex were constructed based on a well-organized spatial design and a large garden overlooked all of the structures. The Royal Garden was only a part of this massive complex. In other words, Pasargad comprised a combination of gardens. Apart from these, nothing specific can be deduced with regards to other architectural features of Pasargad by relying on the existing documents and any conclusion to that effect remains at the level of speculation. This has further highlighted the need for conducting more researches over this ancient heritage. In fact, more efforts like those taken up by the French group led by Remy Boucharlat are needed to shed light on the unknown dimensions of this historical site.

Keywords

Pasargadae gardens, Royal garden, Landscape interpretation, Spatial structure, Geometrical order.

Endnote

*. This article has been taken from the M.A dissertation of Mohammadreza Mehrabani Golzar. It was presented in the Faculty of Fine Art, University of Tehran under the supervision of Dr. Seyed Amir Mansouri and Dr. Shohreh Javadi in 2007.

Reference list

- Boucharlat, R. (2003). *Gozaresh-e moghaddamati-ye heyat-e moshtarak-e Farance-Iran* [Preliminary report of a joint committee of France_Iran]. Shiraz: Organization of Cultural Heritage and Tourism.
- Briant, P. (2002). *Emperatouri-ye Hakhamaneshi* [Histoire de L'empire perse de Cyrus a Alexander], translated by Foroughan, N. Tehran: Ghatreh publisher.
- Mansouri, S. A. (2005). *Daramadi bar zibaishenasi-ye baghe-e Irani* [An Introduction to Persian Garden Aesthetics], Journal of *Bagh-eNazar*, 1(3): 59_64.
- Mehrabanigolzar, M. (2007). *Samandehi va ehyaye baghhaye Pasargad* [Organization and rehabilitation of Pasargadae gardens]. M.A. Thesis. Tehran: University of Tehran.
- Sami, A. (1962). *Tamaddon-e-Hakhamaneshi* [Achaemenid civilization]. Shiraz: Pahlavi University Press.
- Sami, A. (1971). *Pars kadeh* [Pars kadeh]. Shiraz: Department of Culture and Art Publishing.
- Sarafraz, A. A. (2002). *Bastanshenasi va honar-e doran-e tarikhi-ye Maad, Hakhamaneshi, Ashkani, Sasani* [Archeology and art history Median, Achaemenid, Parthian, Sassanid]. Tehran: Efaf.
- Shapour Shahbazi, A. (2000). *Rahnamaye jam'e Pasargad* [Comprehensive Guide of Pasargadae]. Shiraz: Foundation of Fars Studies.
- Stronach, D. (2001). *Pasargad* [Pasargadae], Translated by Khatib Shaidi, H. Tehran: Organization of Cultural Heritage.

